**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر الواحد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه چهل و نهم\_24 دی 1397**

در این ذیل مباحث خبر واحد مربوط شیخ طوسی رضوان الله تعالی علیه باز اشکالات و جواب هایی را مطرح می کند که در یکی دو مورد باید توقف کرد و دقت کرد در مورد مراد ایشان.

یک اشکالی که باز شده است این است که شما خبر واحد را در فقه دارید حجت برایش درست می کنید به دلیل اجماع در حالی که این علمائی که شما دارید نام میبرید و این اجماعی که می گویید این ها در اصول اعتقادات نیز که باید علم و یقین باشد به خبر واحد تمسک می­کنند و اگر سوالی در توحید، نبوت، عدل و امامت و معاد باشد باز ارجاع می دهند به همین اخبار آحاد.

شما یا مثل من بگویید خبر واحد هیج جا حجت نیست. نه در اصول و نه در فروع، یا اگر میخواهید فروع را از اصول جدا کنید به اجماع تمسک نکنید. برای حجیت خبر واحد یک دلیل بیاورید که فقط فروع را بگوید نه اصول را. شما به اجماع تمسک می کنید ما کلمات را که می بینیم این ها هم در اصول و هم در فروع به خبر واحد تمسک کرده اند این تفصیل را مستند ابه اجماع شما از کجا می­آورید؟

جواب این است که ما قبول نداریم که همه مجمعین در اصول دین هم سراغ خبر واحد رفته باشند، بله ممکن است بعضی این کار را کرده باشند اما این که جمیع طائفه این کار را انجام داده باشند ما نداریم، بله بعضی از غفله از اصحاب الحدیث اینگونه اند ولی چنین چیزی ما در بین خودمان نداریم و ان اجماعی که گفتیم امام معصوم داخل ان اجماع است او در عمل به اخبار احاد در فروع است نه در اصول.

اشکال دیگر؛ شما چرا به اخبار آحاد استناد می کنید این شما و علم رجالتان. خودتان می گویید فلانی اهل جبر است و ... نه اصلا شما و این روایات. در خود این روایاتشان که دلالت بر جبر و تشبیه و تناسخ می کند هست، چی جواب می دهید؟ همه این ها حجت است؟ چطور شد شما چه می خواهید بکنید با این راوی و روایات.

جواب می دهید اولا اینکه عام و فراگیر نیست، نهایت این است که ان رواتی را که این گونه روایات دارند را کنار بگذارند. ثانیا صرف الروایت به معنای قبول نیست، چه بسا این راوی این روایات را اورده است تا نشان بدهد این روایات در مورد امام بیان شده است تا تو بروی تحقیق کنی نه این خود راوی هم به این معتقد باشد.

و نحنُ لم نعتمد علی مجر نقلهم. (من که گفتم خبر واحد حجت است، هر جایی که یک روایت به تنهایی نقل بشود نمی گویم) بل اعتمادُنا علی العمل الصادر من جهتم و ارتفاع النزاع بینهم. (یعنی این روایت که بیاید دیگر آن نزاع ها و بحث ها برداشته بشود.) فاما مجرد الروایة فلا حجة فیه علی حالٍ.

مجرد روایت کردن این دلیل بر این که این روایت حجت است نمی­باشد.

این یک خط را بعضی دلیل گرفته­اند که مرحوم شیخ طوسی هم مثل سید مرتضی است، یک اختلاف لفظی دارند. و حرفشان یک چیز است. برخی مثل بعضی از اخباریون از این عبارت استفاده کردند و نیز از کلام مرحوم محقق در معارج استفاده کردند که شیخ می خواهد بگوید من خبر قطعی را حجت می کنم. عبارت معارج این است ص 147:

و ذهب شیخنا ابو جعفر الی العمل بخبر العدل من رواة اصحابنا.

این حرف اولیه جناب ابو جعفر بود.

لکن لفظه و ان کان مطلقاً فعند التحقیق تبیّن انّه لا یعملُ بالخبر مطلقا بل بهذه الاخبار التی رویت عن الائمه علیهم السلام و دونه الاصحاب لا انّ کل خبر یرویه الامامی یجب العمل به. هذا الذی تبین لی من کلامه و یدعی اجماع الاصحاب علی عمل بهذه الاخبارحتی لو رواه غیر الامامی ( مهم برای ابو جعفر این مدونات است و لو راوی امام نباشد) و کان الخبرُ سلیما عن المعارض و اشتهر نقله فی هذه الکتب الدائره بین الاصحاب اگر این بود عمل به (روایت)

بر میگردیم به عبارتی که صفحه 100 داشت:

و الذی اذهب الیه انّ خبر الواحد لا یجب العلم و انّه کان یجوز عن ترد العبادة بالعمل به و قد ورد جواز العمل به فی الشرع ( منظور ان اجماعی است که معصوم داخل اش هست) الّا انّ ذلک موقوفٌ علی طریقٍ مخصوص و هو ما یرویه من کان من الطائفة المحقة

این عبارت صریح در این است که باید راوی طائفه محقه باشد.

و یختص بروایته

این روایت را فقط این آقا نقل کرده باشد و الا اگر نقل های دیگر هم باشد که موید یکدیگر می شوند و بحث خبر واحد نیست.

و یکون علی صفة (این راوی صفتی داشته باشد) یجوز معها قبول خبره من العدالة و غیرها.

فرمایش صفحه 126:

فامّا ما اختاره من المذهب فهو انّ خبر الواحد اذا کان وارداً من طریق اصحابنا القائلین بالامامة (به قرینه طائفه محقه مراد اثنی عشری است) و کان ذلک (الروایة) مرویاً عن النبی صلی الله علیه و آله وسلم او عن واحد من الائمه علیهم السلام و کان ممن لا یطعن فی روایته و یکون سدیدا فی نقله و لم تکن هناک قرینةٌ تدلُّ علی صحةِ ما تضمنه الخبر( قرینه ایی هم بر صحت خبر نباشد) که اگر قرینه بود کان الاعتبار بالقرینة و کان ذلک موجبا للعلم و نحن نذکر القرائن فی ما بعد

اگر چنین خبری بود جاز العمل به

ممکن است کسی تصور کند تا اینجا که مدعا را بیان کرده است صحبتی از اصول مدونة به بیان نیامده است پس بحثش اعم است،

عده ایی گفته اند ما باشیم و این تکه بحثی از اصول و مدونه به میان نیامده است. بحث از اصول مدونه را الان به بعد که می خواهد دلیل اقامه کند می آورد:

و الذی یدل علی ذلک ( ای دلیل بر همین مدعایی که ما الان توضیح دادیم. بین دلیل مدعا نباید جدایی بیافتد. دلیل یک چیزی باشد و مدعا یک چیز دیگر.) دلیل این است اجماع الفرقة المحقة فانی وجدتها مجمعة علی العمل بهذه الاخبار التی رووها فی تصانیفهم و دونوها فی اصولهم.

مدعا نداشت اصول مدونه و کتب مشهورة. این کلمه اصول مدونه مشهوره و کتب معروفه در دلیل آمده است ولی غافل نشویم که حد و مرز مدعا را دلیل مشخص می کند و الا این دلیل ان مدعا نیست و دلیل می شود اخص از مدعا. باید نظر مبارک مرحوم شیخ طوسی از خبر واحد همین روایات اصول مدونه باشد نه خارج از این ها و الا دلیلش اخص از مدعا می­شد.

صفحه 127

وفلولا ان العمل بهذه الاخبار کان جائزا لما اجمعوا.

عبارت سوم همین عبارت بود که الان گفتیم:

ونحنُ لم نعتمد علی مجرد نقلهم بل اعتمادُنا علی العمل الصادر من جهتم، بعد هم می گوید مجرد روایت لا حجة فیه علی حالٍ

دایره اولا ضیق کرد، اخبار اهل سنت و غیر امامی اثنی عشری خارج شد. دایره را ضیق تر کرد که امامی اثنی عشری از معصوم نقل بکند نه از هر کسی. دایره را ضیق تر کرد که این امامی اعتماد به حرفش باشد. دایره را ضیق تر کرد که این روایت در اصول مدونه باشد. حال باز یک ضیق دیگر کرد و ان این است که ان آقایان به این روایت اعتماد کرده باشند نه صرف نقل.

حال یک اشکالی بعدا مطرح کرده است که در بین این روایات شما و روات شما، ص 133 رواتی هستند که شیعه نیستند یا سنی اند یا غیر امامی اثنی عشری. با ان ها چکار می کنید.

ص 134 تبصره می زند . تبصره 1:

انما یرویه هولاء یجوز العمل به اذا کانوا ثقاتٌ فی النقل و ان کانوا مخطئین فی الاعتقاد. اگر بدانیم این ها دروغ نمی گویند و وضع حدیث نمی کنند به جدیث این ها عمل می کنیم اما انّ جمیع ما یرویه هولاء، اذ اختصوا بروایته لا یعملُ به و انما یعمل به اذا اضاف الی روایتهم روایة من هو علی طریقة مستقیمة و الاعتقاد الصحیح فحینئذ یجوز العمل به. فاما اذا انفرد فلا یجوز ذلک علی حال.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.